

## تحلیل جامعه‌شناختی اثر رفتارهای اخلاقی و شیوه‌های اعمال قدرت مریبان بر رفتارها و میزان خطرپذیری رزمی کاران با توجه به نقش میانجی رابطه مربی و ورزشکار

سعید کیانی اشترجانی<sup>۱</sup>، رخساره بادامی<sup>۲\*</sup>

۱- کارشناس ارشد روانشناسی ورزشی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

۲- دانشیار گروه تربیت بدنی، دانشکده تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثر رفتارهای اخلاقی و شیوه‌های اعمال قدرت مریبان بر رفتارها و میزان خطرپذیری نوجوانان رزمی کار با توجه به نقش میانجی رابطه مربی و ورزشکار بود. شرکت کنندگان این پژوهش را ۳۰۴ نفر از رزمی کاران نوجوان با دامنه سنی ۱۴ تا ۱۶ سال تشکیل می‌دادند که به روش هدفمند و در دسترس از باشگاه‌های شهر نجف آباد انتخاب شدند. ابزارهای پژوهش شامل مقیاس رفتار مربیگری مرتبط با اخلاق ورزشکاری بولتر و ویس، شیوه‌های اعمال قدرت مریبان سوسمان و دیپ، رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی در ورزش کاسانو و بوردلی، خطرپذیری نوجوانان ایران زاده محمدی و همکاران و رابطه مربی و ورزشکار جوویت و نتومانیس بودند. نتایج حاصل از الگوسازی معادله ساختاری نشان داد که مدل تأثیر رفتار اخلاقی مربی و اعمال قدرت بر خطرپذیری و رفتارهای اجتماعی و ضد

اجتماعی نوجوانان رزمی کار با میانجی‌گری کیفیت ارتباط مربی و ورزشکار از برآزش مطلوب برخوردار است. نتایج نشان داد که رفتار اخلاقی مربی هم بر خطرپذیری نوجوانان و هم بر رفتارهای اجتماعی آن‌ها تأثیر دارد و با وارد شدن کیفیت ارتباط مربی این تأثیر بیشتر می‌شود. شیوه‌های اعمال قدرت مربی اثر مستقیم بر رفتار و خطرپذیری رزمی‌کاران ندارد اما به صورت غیر مستقیم با میانجی‌گری رابطه مربی و ورزشکار بر رفتار و خطرپذیری رزمی‌کاران اثر می‌گذارد. بنابراین نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه مربی و ورزشکار متغیر واسطه‌ای در رابطه بین رفتار اخلاقی و شیوه اعمال قدرت مربی بر رفتارها و میزان خطرپذیری رزمی‌کاران است.

**واژه‌های کلیدی:** رفتار اخلاقی مربی، قدرت مربی، میزان خطرپذیری، نوجوانان، رزمی‌کار، رابطه مربی و ورزشکار.

#### مقدمه

اخلاق نقش مهمی در نحوه رفتار انسان دارد. اخلاق، شناخت ارزش‌ها و بیانگر راه‌های کسب فضائل و ترک رذائل اخلاقی است (آرنلود<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴). یکی از نهادهای اجتماعی برجسته‌ای که در آن ارزش‌های اخلاقی و غیراخلاقی پرورانه می‌شود، ورزش است. عمدتاً دو رویکرد کارکردگرایانه و انتقادی پیرامون ورزش و ارزش‌های اخلاقی مطرح است. کارکردگرایان معتقدند که ورزش به عنوان یکی از فعالیت‌های مهم اوقات فراغت، از اشکال مهم کنترل اجتماعی بوده و باعث کاهش تمایل به بزه و ساختن یک شخصیت اخلاق‌گرا می‌شود (بگ، لانجلی، مفیت و مارشال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶). از طرف دیگر، انتقادیون معتقدند که محیط‌های ورزشی امکان ارتباط با شبکه افراد بزه‌کار را فراهم می‌کند و باعث ارتقاء حسادت، فخرفروشی، پرخاشگری و انگیزه زورآزمایی می‌شود (کلی، سوکل، برادوک و باسینر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). بر اساس این دو رویکرد، ورزش می‌تواند صحنه بروزهای رفتارهای اخلاقی و یا جولانگاه رفتارهای غیر اخلاقی باشد؛ برای مثال در مسابقه نیمه‌نهایی دوی ۵۰۰۰ متر بانوان در

1 Arnld

2 Begg, Langley, Moffitt, & Marshall

3 Kelley, Sokol, Braddock, & Bassinger

المپیک ریو ۲۰۱۶، نیکی همبلین دونده نیوزلندی که به سرعت به سمت خط پایان می‌دوید ناگهان به زمین افتاد. در همین لحظه، رقیبش ابی داگستيو که در اثر برخورد با همبلین خود نیز به زمین افتاده بود، او را بلند کرد. ابی داگستيو به جای سود بردن از زمین خوردن رقیبش به او کمک کرد. در این ارتباط سؤالی که مطرح می‌شود، این است که چرا برخی از ورزشکاران انتخاب می‌کنند تا به رقبای خود کمک کنند، بدون خودخواهی رفتار می‌کنند و قوانین ورزشی را اطاعت می‌کنند حتی وقتی این رفتارها به ضرر آن‌ها تمام شود؟ و چرا برخی دیگر به طور تجاوزگرانه رفتار می‌کنند و تقلب می‌کنند تا امتیاز ناعادلانه برای خود ثبت کنند؟

تحقیقات زیادی با هدف شناسایی عواملی که رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی را سهولت می‌بخشد، انجام گرفته است (به عنوان مثال، استرانجر، کاوسانو و رینگ، ۲۰۱۷، هاج و گوساردی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۵، کاوسانو و استرانگ، ۲۰۱۷). بر اساس شواهد پژوهشی، هویت اخلاقی و همدلی مهم‌ترین متغیرهایی هستند که باعث سهولت در بروز رفتارهای اجتماعی می‌شود (آکوین، فریمن، رید، لیم و فیلیپس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۹، کاوسانو، استرانگ و رینگ، ۲۰۱۵). از طرف دیگر، کوچک‌شمردن رفتار غیر اخلاقی و عدم اعمال مجازات مناسب برای آن، خودگرا بودن ورزشکار و تأکید مریبی بر بردگرایی از مهم‌ترین متغیرهایی هستند که باعث سهولت در بروز رفتارهای ضد اجتماعی می‌شوند (کاوسانو و استرانگ، ۲۰۱۷). کسانی که هویت اخلاقی و همدلی بالایی دارند، خود را به جای دیگران قرار می‌دهند تا بتوانند احساسات دیگران را بهتر درک کنند. هویت اخلاقی و همدلی هر دو مانع بروز خشونت و تجاوز می‌شود (استرانگ و همکاران، ۲۰۱۶). از طرف دیگر، رفتار ضداجتماعی یک رفتار انگیزشی است، از این رو تعجب‌آور نیست که متغیرهای انگیزشی نقش مهمی در بروز این رفتار ایفا کنند. ساختارهای نشأت گرفته از نظریه دست‌یابی به هدف (مثل خودگرایی و محیط اجرا) و نظریه خودمختاری (مثل، انگیزه کنترل‌شده و محیط کنترل‌کننده) به رفتار ضداجتماعی در ورزش متصل بوده‌اند (بورادلی و کاواسانو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰، هاج و لاندسن، ۲۰۱۱، هاج و گوساردی، ۲۰۱۵). ورزشکاری که در هدف، خودگرایی بالایی دارد، همواره در پی به دست آوردن بیشترین سود و مصلحت به

1 Hodge, K., & Gucciardi

2 Aquino, Freeman, Reed, Lim, & Felps

3 Boardley, & Kavussanu

نفع خود است و در اعمال خود، پیوسته به نتایج نظر دارد (نیکولز<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹). مشابهاً، فردی که انگیزه‌اش با عوامل بیرونی چون به‌دست آوردن جایزه و پاداش کنترل می‌شود، رفتارهای ضد اجتماعی بیش‌تری نشان می‌دهد (دسی و رایان<sup>۲</sup>، ۱۹۸۵).

مربیان با تحت فشار قرار دادن بازیکنان برای انجام تمرینات اجباری و پرفشار و همین‌طور با تأکید بر برد، می‌توانند جو انگیزشی ایجاد کنند که در آن رفتارهای غیر اخلاقی بیش‌تر بروز پیدا می‌کند (سیج و کاواسانو<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸). پژوهش‌ها نشان می‌دهد مربیانی که بر تلاش و یادگیری تأکید دارند و در مورد وضعیت‌های پیچیده اخلاقی بحث می‌کنند می‌توانند رفتار ورزشی خوب را در بین ورزشکاران خود ارتقاء دهند. به عبارت دیگر، رفتار ورزشی ضعیف، احتمالاً زمانی رخ می‌دهد که مربیان رفتارهای غیر اخلاق ورزشکار مانند پیروز شدن به هر طریق ممکن را تأیید می‌کنند (گانو-اووروی، گویورنائو، مگیار، والدرون و اوینگک<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵؛ میلر، روبرتز و اوموندسن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵). مربیان به پنج‌گونه می‌توانند در محیط ورزشی اعمال قدرت کنند. این پنج پایگاه قدرت عبارتند از قدرت مبتنی بر پاداش، قدرت مبتنی بر زور، قدرت مبتنی بر قانون، قدرت مبتنی بر تخصص و قدرت مبتنی بر مرجعیت (کاتر<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰). مربی می‌تواند پاداش‌هایی مانند تحسین و تقدیر، تعریف و تمجید، یا پاداش‌های مادی به ورزشکاران بدهد که برای آنها مهم و ارزشمند است. قدرت تنبیه یا زور مبتنی بر توانایی شخص به تنبیه و مجازات کردن شخص دیگر در صورت عدم اطاعت یا انجام ندادن وظیفه است. قرار ندادن بازیکن خاطی در ترکیب اصلی تیم، کاهش توجه و حتی سرد برخورد کردن مربی با بازیکن خاطی از موارد استفاده از قدرت زور یا تنبیه است. قدرت قانونی زمانی اعمال می‌شود که زبردست برای رئیس یا مقام بالاتر خود حق دستور دادن را قائل می‌شود و از نظر قانونی وی را مستحق دادن چنین دستور یا اعمال نفوذی میدانند. جایگاه و مقام مربیگری به فرد اقتدار، برتری و حقوقی مشروع می‌دهد، به گونه‌ای که مربی می‌تواند مانند هر مدیری در سازمان‌های ورزشی و غیرورزشی از آن استفاده کند. قدرت تخصص عبارت است از تصور

1 Nicholls

2 Deci, & Ryan

3 Sage, & Kavussanu

4 Gano-Overway, Guivernau, Magyar, Waldron & Ewing

5 Miller, Roberts & Ommundsen

حاصل از اینکه مدیر تحصیلات، تجربه و تخصص مربوطه را دارد. داشتن تخصص کلی یا عمومی در مربیگری با تخصص در زمینه خاصی از ورزش مانند راهبرد، روانشناسی ورزشی و قوانین، مثال‌هایی از قدرت تخصص است. در نهایت قدرت مرجعیت ماهیت احساسی دارد. مربیانی که به علت راه و رسم، رفتار، تفکر و عملشان مورد احترام هستند، قدرت مرجعیت دارند (فرنچ و ریون، ۱۹۹۵). مربی به عنوان یک رهبر، لازم است از مهمترین ابزار نفوذ بر ورزشکار، استفاده کند. به غیر از اعمال قدرت، یکی دیگر از راه‌های اثرگذاری مربی بر ورزشکاران، شیوه‌های رفتاری مربی است. اغلب ورزشکاران مربیان خود را سرمشق قرار می‌دهند و از آن‌ها الگو می‌گیرند. لذا، ممکن است رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی مربی بر بروز رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی در ورزشکاران تأثیر بگذارد اما این که اعمال قدرت مربی تأثیر بیش‌تری بر بروز رفتارهای اخلاقی و غیر اخلاقی ورزشکاران دارد یا رفتار اخلاق‌گرایانه مربی، هنوز در حاله‌ای از ابهام است. لذا، یکی از اهداف مطالعه حاضر، تعیین میزان تأثیر شیوه‌های اعمال قدرت مربی و رفتارهای اخلاقی مربی بر رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی و میزان خطرپذیری رزمی کاران نوجوان است. همین‌طور میزان ارتباط بین مربی و ورزشکار به عنوان متغیر میانجی در سنجش این اثرگذاری بررسی می‌شود. از آن‌جایی که ارتباط بهتر بین مربی و ورزشکار باعث تعهد بیش‌تر ورزشکار به مربی می‌شود (جوت<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷)، ممکن است شدت ارتباط مربی و ورزشکار، در میزان اثرگذاری شیوه‌های اعمال قدرت و رفتارهای اخلاقی مربیان بر رفتار ورزشکاران تأثیر داشته باشد.

## روش پژوهش

این تحقیق از لحاظ هدف جزء پژوهش‌های کاربردی و از نوع پژوهش‌های همبستگی و مدل معادلات ساختاری است که به روش میدانی اجرا شده است. شرکت‌کنندگان این پژوهش را ۳۸۴ رزمی‌کار نوجوان پسر با دامنه سن ۱۴ تا ۱۶ سال از رشته‌های کاراته، تکواندو، جودو، ووشو، کنگ‌فو، جو جیتسو، هاپکیدو و نینجوتسو تشکیل می‌دادند که به روش هدفمند و در دسترس از باشگاه‌های شهرستان نجف آباد انتخاب شدند. از این تعداد ۳۰۴ نفر پرسش‌نامه-

ها را بازگرداندند. پرسش‌نامه‌ها شامل پرسشنامه رفتار مربیگری مرتبط با اخلاق ورزشکاری بولتر و ویس (۲۰۱۳)، شیوه‌های اعمال قدرت مربیان سوسمان و دیپ<sup>۱</sup> (۱۹۸۹)، رفتارهای اجتماعی و ضداجتماعی در ورزش کاوسانو و بوردلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۹)، خطرپذیری نوجوانان زاده محمدی، احمدآبادی و حیدری (۱۳۹۰) و نسخه فارسی پرسشنامه رابطه مربی-ورزشکار جووت و نتومانیس<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) بود.

### مقیاس رفتارهای مربیگری مرتبط با اخلاق ورزشکاری

این پرسشنامه توسط بولتر و ویس (۲۰۱۳) طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۴ گویه است و ۶ خرده مقیاس است که این خرده مقیاس‌ها عبارتند از؛ تنظیم انتظارات برای ورزشکاری خوب (مربی من انتظار دارد که هر ورزشکار یک ورزشکار خوب باشد)، تقویت اخلاق ورزشکاری خوب (مربی من به ورزشکارانی که به شیوه جوانمردانه عمل می‌کنند پاداش می‌دهد)، تنبیه اخلاق ورزشکاری ضعیف (مربی من ورزشکارانی را که اخلاق ورزشی ضعیف را نشان می‌دهند، تنبیه می‌کند)، تدریس اخلاق ورزشکاری خوب (مربی من می‌آموزد که ورزشکاران چگونه ورزشکاری خوب باشند)، مدل‌سازی اخلاق ورزشکاری خوب (مربی من، نمونه‌ای از یک ورزشکار خوب است) و ترجیح دادن بُرد نسبت به اخلاق ورزشکاری خوب (مربی من به بُردن، بیش از اخلاق ورزشکاری خوب توجه دارد). هر خرده مقیاس شامل ۴ گویه است که بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. بولتر و ویس (۲۰۱۳) روایی سازه این پرسشنامه را تأیید کردند و پایایی آن برای خرده مقیاس‌ها و کل پرسشنامه را از ۰/۷۸ تا ۰/۹۴ گزارش نمودند.

1. Sussman & Deep

2 Kavussanu, & Boardley

3 Jowett, S. & Ntoumanis

### مقیاس شیوه‌های اعمال قدرت مریبان (سوسمان و دیپ، ۱۹۸۹)

دارای ۲۰ گویه و ۵ خرده مقیاس، قدرت تنبیه، قدرت قانونی، قدرت پاداش، قدرت تخصص و قدرت مرجع مریبان) را می‌سنجد. طیف امتیازی برای هر نوع قدرت از صفر تا هشت است. روایی پرسشنامه توسط عزیزی و همکاران (۱۳۸۸) تأیید شده است همچنین پایایی آن ۰/۸۷. به دست آمده است.

### مقیاس رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی، در ورزش (کاسانو و بوردلی، ۲۰۰۹)

شامل ۲۰ گویه و چهار خرده مقیاس است که بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم شده است. این خرده مقیاس‌ها عبارتند از؛ ۴ گزینه برای رفتار اجتماعی خوب نسبت به هم‌تیمی‌ها («من بازخورد مثبتی به هم‌تیمی می‌دهم»)، ۳ گزینه برای رفتار اجتماعی خوب نسبت به حریفان («من پس از افتادن حریف به او کمک می‌کنم بلند شود»)، ۵ گزینه برای رفتار ضد اجتماعی نسبت به هم‌تیمی‌ها («من با هم‌تیمی بحث می‌کنم») و ۸ گزینه برای رفتار ضد اجتماعی نسبت به حریف («من تلاش نمودم تا حریف را بیازارم»). بولتر و ویس (۲۰۱۳) پایایی درونی را برای چهار زیرمقیاس (۰/۷۸-۰/۸۸) با ورزشکاران در سنین دبیرستان نشان دادند.

### مقیاس خطرپذیری نوجوانان ایرانی (زاده‌محمدی، احمدآبادی و حیدری، ۱۳۹۰)

این مقیاس دارای ۳۸ سوال بوده و هدف آن سنجش میزان خطرپذیری در نوجوانان در هفت بعد ۱- گرایش به مواد مخدر ۲- گرایش به الکل ۳- گرایش به سیگار ۴- گرایش به خشونت ۵- گرایش به رابطه و رفتار جنسی ۶- گرایش به رابطه با جنس مخالف و ۷- گرایش به رانندگی خطرناک می‌باشد. شیوه نمره‌دهی آن بر اساس طیف لیکرت پنج ارزشی بوده که از ۱- کاملاً مخالف تا ۵- کاملاً موافق است.

در پژوهش زاده محمدی، احمدآبادی و حیدری (۱۳۹۰) روایی سازه این مقیاس مورد ارزیابی قرار گرفت. تحلیل عاملی اکتشافی با مولفه‌های اصلی نشان داد که این پرسشنامه

مقیاسی هفت بعدی است، که ۶۴/۸۴ درصد واریانس خطرپذیری را تبیین می‌کند. میزان آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۴ و برای خرده مقیاس‌های آن در دامنه ۰/۹۳ تا ۰/۷۴ قرار داشت که بیانگر پایایی خوب این مقیاس است.

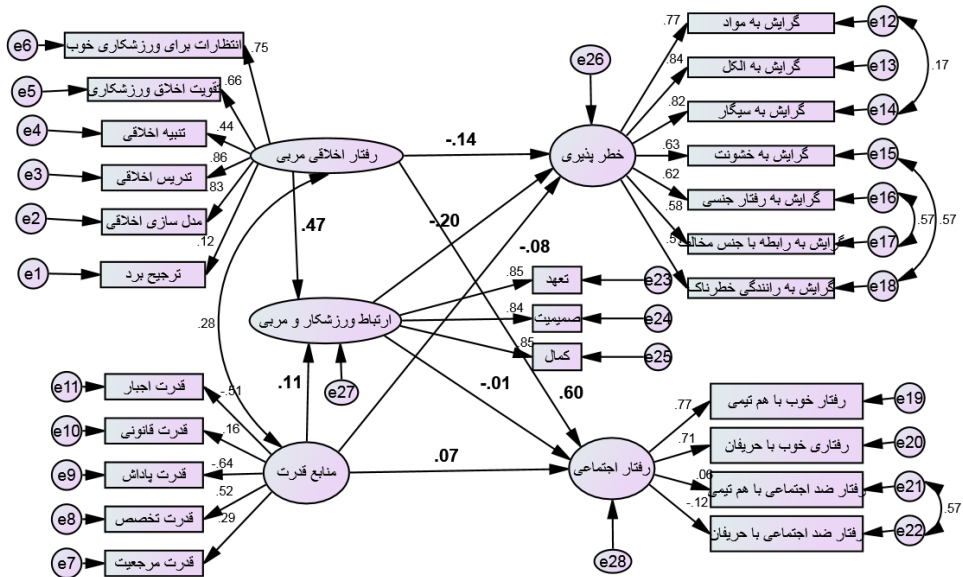
### نسخه فارسی پرسشنامه رابطه مربی-ورزشکار

این پرسشنامه در سال ۲۰۰۴، توسط جووت و نتومانیس طراحی شده است. پرسشنامه ۱۱ گویه در مقیاس لیکرت ۷ ارزشی دارد و از سه خرده مقیاس تعهد شامل سه گویه، صمیمیت شامل چهار گویه و کمال شامل چهار گویه تشکیل شده است. بالزاده، تجاری و کامکاری (۱۳۹۰) نسخه فارسی پرسشنامه یازده سؤالی رابطه مربی-ورزشکار را استانداردسازی کردند. نتایج این پژوهش روایی و اعتبار این پرسشنامه را در جامعه ورزشکاران تأیید نمود. اطلاعات گردآوری شده در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار توصیفی از شاخص‌های فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد به منظور توصیف و طبقه‌بندی داده‌های بدست آمده استفاده شد. سپس، فرضیه‌های پژوهش با استفاده از الگوی معادله ساختاری و نرم افزار اموس نسخه ۲۲ بررسی شدند. الگوی معادله ساختاری ترکیبی از الگوهای مسیر (روابط ساختاری) و الگوی عاملی تأییدی (الگوهای اندازه‌گیری) بود.

### یافته‌ها

الگوی تأثیر مدل تأثیر رفتارهای اخلاقی مربی و منابع قدرت بر رفتارهای پرخطر و رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی ورزشکاران با میانجی‌گری کیفیت ارتباط بین ورزشکار و مربی در شکل ۱ ارائه شده است.





شکل ۱- الگوی تأثیر رفتارهای اخلاقی مربی و منابع قدرت بر رفتارهای پرخطر و رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی ورزشکاران با میانجی‌گری کیفیت ارتباط بین ورزشکار و مربی

نکته: e1-e22 خطای اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش، e27-e29 خطای ساختاری الگو

شاخص‌های کلی برازش الگو در جدول ۱ ارائه گردیده است.

**جدول ۱ شاخص‌های کلی برازش در الگو تأثیر رفتارهای اخلاقی مری و منابع قدرت بر رفتارهای پرخطر و رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی ورزشکاران با میانجی گری کیفیت ارتباط بین ورزشکار و مری**

شاخص‌های برازش									نرمال بودن چند متغیره	
سایر	مقتصد			تطبیقی		مطلق			نسبت بحرانی	ضریب مردیا
هولتر	RMSEA <sup>8</sup>	CMIN/DF <sup>7</sup>	PCFI <sup>6</sup>	CFI <sup>5</sup>	TLI <sup>4</sup>	P <sup>3</sup>	DF <sup>2</sup>	CMIN <sup>1</sup>	۵۵/۹۹	۳۹/۶۲۱
۱۵۹	۰/۰۶۶	۲/۳۱۵	۰/۷۷۵	۰/۸۸۷	۰/۸۷۱	۰/۰۰۱	۲۵۲	۶۰۶/۵۴		

بر اساس نتایج به دست آمده در جدول ۲، شاخص کای اسکور نسبتی برابر با ۲/۳۱۵ است که نشان می‌دهد این الگو از وضعیت قابل قبولی برخوردار است. مقدار شاخص‌های تطبیقی TLI و CFI در حدود ۰/۹ است. مقدار PCFI نیز به عنوان شاخص نیکویی برازش بالاتر از ۰/۵ و مطلوب است. مقدار RMSEA نیز به عنوان مهم ترین شاخص برازش کلی برابر با ۰/۰۶۶ است و نشان می‌دهد که به طور کلی الگو از برازش خوبی برخوردار است. شاخص هولتر نیز برابر با ۱۵۹ که نشان می‌دهد حجم نمونه برای بررسی برازش مدل کافی بوده است.

بر اساس نتایج به دست آمده پیرامون نرمال بودن چند متغیره در جدول ۴-۵ ضریب مردیا در این الگو برابر با ۳۹/۶۲۱ (نسبت بحرانی ۵۵/۹۹) به دست آمده است که نشان می‌دهد پیش فرض نرمال بودن چند متغیره برای این الگو تأیید گردیده است.

نتایج ضرایب مسیر مدل معادلات ساختاری در جدول ۴-۶ ارائه شده است.

1. Chi-Square
2. Degree of Freedom
3. P value
4. Tucker-Lewis Index
5. Comparative Fit Index
6. Parsimonious Comparative Fit Index
7. Normed Chi-Square
8. Root Mean Squared Error of Approximation

**جدول ۲ ضرایب مسیر مدل**

پارامتر	برآورد استاندارد	معنی داری	خطای معیار	نسبت بحرانی
منابع قدرت ← ارتباط ورزشکار و مربی	۰/۱۱۴	۰/۱۹۴	۰/۳۷۳	۱/۴۲۶
رفتار اخلاقی مربی ← ارتباط ورزشکار و مربی	۰/۴۶۸	۰/۰۲۱	۰/۷۳۶	۲/۰۵
رفتار اخلاقی مربی ← رفتار پرخطر	-۰/۱۴۱	۰/۰۴۵	۰/۷۷۷	-۱/۹۹
رفتار اخلاقی مربی ← رفتار اجتماعی و ضد اجتماعی	۰/۵۹۸	۰/۰۰۸	۰/۳۲۶	۲/۵۸
منابع قدرت ← رفتار پرخطر	-۰/۰۷۵	۰/۲۹۹	۰/۹۵۱	-۰/۹۰۱
منابع قدرت ← رفتار اجتماعی و ضد اجتماعی	۰/۰۶۶	۰/۵۵۵	۰/۵۵۱	۰/۷۸۳
ارتباط ورزشکار و مربی ← رفتار اجتماعی و ضد اجتماعی	-۰/۰۰۶	۰/۹۸	۰/۱۰۸	۰/۰۸
ارتباط ورزشکار و مربی ← رفتار پرخطر	-۰/۱۹۵	۰/۰۴۵	۰/۱۸۷	-۲/۵۴

همانگونه که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، از بین ضرایب مسیر مدل، تأثیر رفتار اخلاقی مربی بر ارتباط مربی و ورزشکار، رفتار اخلاقی مربی بر رفتار پرخطر، رفتار اخلاقی مربی بر رفتار اجتماعی و ضد اجتماعی و ارتباط ورزشکار و مربی بر رفتار پرخطر معنی دار است ( $p < 0/05$ ) در حالی که ضرایب تأثیر منابع قدرت بر ارتباط مربی و ورزشکار، منابع قدرت بر رفتار پرخطر، منابع قدرت بر رفتار اجتماعی و ضد اجتماعی و ارتباط ورزشکار و مربی با رفتار اجتماعی و ضد اجتماعی غیر معنی دار به دست آمده است.

### **بحث و نتیجه‌گیری**

این پژوهش که با هدف تعیین اثر رفتارهای اخلاقی و شیوه‌های اعمال قدرت مریبان بر رفتارها و میزان خطرپذیری نوجوانان رزمی کار با توجه به نقش میانجی رابطه مربی و ورزشکار صورت گرفت.

اولین یافته پژوهش نشان داد که رفتار اخلاقی مربی بر رفتار و میزان خطرپذیری نوجوان رزمی کاران تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر با افزایش میزان رفتار اخلاقی مربی، رفتارهای اجتماعی ورزشکاران افزایش و میزان خطرپذیری آنها کاهش داشت، همچنین نتایج نشان داد که با افزایش کیفیت ارتباط مربی و ورزشکار، اثر رفتارهای مربی بر رفتار اجتماعی ورزشکاران و میزان خطرپذیری آنها افزایش می‌یابد.

این یافته با یافته مطالعه بولتر و کیپ<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) مبنی بر اثر رفتارهای اخلاقی مربی بر رفتارهای اجتماعی و ضد اجتماعی ورزشکاران همسو است. به اعتقاد، گانو-وروی و دودا (۲۰۰۲) ورزشکاران، زمانی رفتارهای غیر ورزشی را نشان می‌دهند که درک کنند مریدان آنها چنین رفتارهایی را تأیید می‌کنند. به اعتقاد آنها یک مربی که اخلاق ورزشکاری خوب را مدل‌سازی می‌کند، به احتمال زیاد باعث ایجاد محیط قابل اعتماد می‌شود که می‌تواند روابط مثبت مربی-با-ورزشکار و ورزشکار-با-ورزشکار را ایجاد کند. در چنین محیطی، احساسات همدلی بیش‌تر بروز پیدا می‌کند و رفتارهای ضد اجتماعی کمتر نمایش داده می‌شوند. از طرف دیگر، پوپسکو (۲۰۱۲) اذعان داشته‌است که احترام به دیگران و احترام به قواعد بازی یک رفتار آموخته شده است. بندورا هم یادگیری مشاهده‌ای یا الگودهی را ابزاری نیرومند برای یادگیری عقاید و اعمال اخلاقی به شمار می‌آورد. بر اساس، نظریه یادگیری شناختی-اجتماعی بندورا، یادگیری مشاهده‌ای نوعی یادگیری شناختی است که دارای چهار فرایند توجه، یادداری، تولید و انگیزش است. در فرایند توجه، الگوگیری رخ نخواهد داد مگر این که یادگیرنده به رفتار الگو توجه کند. توجه به الگو تحت تأثیر عواملی از جمله ویژگی‌های الگو قرار می‌گیرد. افراد، غالباً به الگوهایی توجه می‌کنند که به آنها شباهت بیشتری داشته باشد (مثلاً با آنان هم سن یا هم جنس باشند)، موقعیت اجتماعی قابل قبولی داشته باشد و یا به الگو علاقه داشته باشند و بتوانند ارتباط خوبی با او برقرار کنند (باندورا، ۲۰۰۱). لذا، تعجب‌آور نخواهد بود، اگر به این نتیجه برسیم که وقتی ارتباط مربی و ورزشکار بیشتر باشد، احتمال اثرگذاری رفتار مربی بر رفتار ورزشکار بیش‌تر می‌شود. از طرف دیگر، فرایند انگیزش در نظریه بندورا، به این معنی است که رفتار آموخته شده بروز پیدا نمی‌کند، مگر این که فرد،

انگیزه کافی برای به نمایش گذاشتن آن رفتار داشته باشد. به عبارت دیگر، اگر فرد برای رفتاری که از طریق الگودهی آموخته تشویق شود، آن را رفتار را به نمایش می‌گذارد و اگر تنبیه شود، کم کم آن رفتار در وی خاموش می‌شود (باندورا، ۲۰۰۱). لذا، ورزشکارانی که برای انجام رفتاری اجتماعی، تشویق و برای بروز رفتار ضد اجتماعی، تنبیه می‌شوند، رفتارهای اجتماعی بیش تر و رفتارهای ضد اجتماعی کم تری را نشان می‌دهند (کاوسانو و استرانگ، ۲۰۱۷)..

یافته دیگر این مطالعه نشان داد که شیوه‌های اعمال قدرت مربیان بر رفتار اجتماعی و میزان خطرپذیری رزمی کاران تأثیر نداشته است، اما وقتی متغیر ارتباط مربی و ورزشکاران به عنوان میانجی وارد شد، شیوه‌های اعمال قدرت بر رفتارها و میزان خطرپذیری رزمی کاران تأثیر داشت. به عبارتی وقتی ارتباط بین مربی و ورزشکار افزایش یافت میزان رفتارهای اجتماعی افزایش و میزان خطرپذیری کاهش یافت. درمورد اثر غیر معنادار شیوه‌های اعمال قدرت مربیان بر رفتار و میزان خطرپذیری ورزشکاران پژوهشی یافت نشد اما این یافته که شیوه‌های اعمال قدرت مربیان در صورت میانجی‌گری رابطه مربی و ورزشکار بر روی رفتارها و میزان خطرپذیری رزمی کاران اثر می‌گذارد به نوعی بدیع و حائز اهمیت است و اهمیت ارتباط بین مربی و ورزشکار را پررنگ می‌کند. درمورد اهمیت ارتباط بین مربی و ورزشکار، نتومانیس و استاندیک (۲۰۰۹) نشان دادند که ورزشکارانی که احساس تعلق بیشتری به مربیان خود دارند، انگیزه بیشتری هم برای بروز رفتارهای اجتماعی خوب نشان می‌دهند. در تبیین این یافته می‌توان به نظریه خودتعیین‌گری<sup>۱</sup> استناد کرد. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، اصطلاح «خود» برای رفتار و پیشرفتی در نظر گرفته شده است که از درون فرد سرچشمه می‌گیرد. مطابق با این نظریه، سه نیاز روان‌شناختی اساسی وجود دارد: خودمختاری<sup>۲</sup>، شایستگی<sup>۳</sup> و ارتباط<sup>۴</sup>. این نظریه فرض می‌کند که ارزیابی فرد از خودش به‌عنوان فردی شایسته، خودمختار و دارای احساس تعلق و وابستگی بر رفتار تأثیر می‌گذارد. ارتباط، نیاز به برقراری پیوندها و دلبستگی‌های

---

1. Self-determination theory (SDT)

2. Autonomy

3. Competence

4. related

عاطفی با دیگران است. بر اساس نظریه خودتعیین‌گری، نیاز به ارتباط از طریق تعامل با دیگران (در این پژوهش، مربیان) رفع می‌شود (ریان و دسی، ۲۰۰۰). تعدادی از پژوهشگران نشان داده‌اند یادگیرندگان که ارتباط خوبی با مربیان‌شان دارند رضایت و تعهد بیشتری نسبت به انجام فرامین مربی خود دارند (کنیفاک، ثوجرسن-نومانی و دیویدا، ۲۰۱۴).

به طور کلی یافته‌های این مطالعه نشان داد که رفتارهای اخلاقی بر رفتار و میزان خطرپذیری رزمی کاران تأثیر دارد و با میانجی‌گری متغیر رابطه بین مربی و ورزشکار این تأثیر افزایش می‌یابد، اما شیوه‌های اعمال قدرت مربیان تنها زمانی بر رفتار و میزان خطرپذیری رزمی کاران اثر می‌گذارد که رابطه مربی و ورزشکار به عنوان یک میانجی در نظر گرفته شود.

## منابع

- 1- Aquino, K., Freeman, D., Reed II, A., Lim, V. K., & Felps, W. (2009). Testing a social-cognitive model of moral behavior: the interactive influence of situations and moral identity centrality. *Journal of personality and social psychology*, 97(1), 123.
- 2- Arnold, P. J. (1994). Sport and moral education. *Journal of moral education*, 23(1), 75-89.
- 3- Azizi, B. Mehrabi Koshki, A. Piri, M. Jalali Farahani, M. (2009). Determining the sources of power of the physical education organization managers And its relationship with level of employee readiness and satisfaction. *Sports Management*. 3:119-133. (Persian)
- 4- Balzade, A. Tejari, F. Kamkari, K. (2011). Standardization of the questionnaire of Relations between the Trainer(CART-Q) and Athlete. *Journal Olympic*. 3(19): 119-131. (Persian)
- 5- Bandura, A. (2001). Social cognitive theory: An agentic perspective. *Annual review of psychology*, 52(1), 1-26.
- 6- Begg, D. J., Langley, J. D., Moffitt, T., & Marshall, S. W. (1996). Sport and delinquency: an examination of the deterrence hypothesis in a longitudinal study. *British journal of sports medicine*, 30(4), 335-341
- 7- Boardley, I. D., & Kavussanu, M. (2010). Effects of goal orientation and perceived value of toughness on antisocial behavior in soccer: The mediating role of moral disengagement. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 32, 176-192. doi:10.1123/jsep.32.2.176.
- 8- Bolter, N. & Weiss, M. R. (2013). Coaching behaviors and adolescent athletes' sportpersonship outcomes: Further validation of the

- Sportsmanship Coaching Behaviors Scale (SCBS). *Sport, Exercise, and Performance Psychology*, 2(1): 32.
- 9- Bolter, N. D., & Kipp, L. E. (2018). Sportpersonship coaching behaviours, relatedness need satisfaction, and early adolescent athletes' prosocial and antisocial behaviour. *International Journal of Sport and Exercise Psychology*, 16(1), 20-35.
  - 10- Deci, E. L., & Ryan, R. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior*. New York: Springer.
  - 11- French, J. Raven, B. Cartwright, D. (1959). The bases of social power. *Classics of organization theory*. 7: 150–167.
  - 12- Gano-Overway, L. Guivernau, M. Magyar, T. Waldron, J. Ewing, M. (2005). Achievement goal perspectives, perceptions of the motivational climate, and sportpersonship: Individual and team effects. *Psychology of sport and exercise*. 6(2): 215-232.
  - 13- Guivernau, M. & Duda, J. (2002). Moral atmosphere and athletic aggressive tendencies in young soccer players. *Journal of Moral Education*. 31(1): 67-85.
  - 14- Hodge, K., & Gucciardi, D. F. (2015). Antisocial and prosocial behavior in sport: The role of motivational climate, basic psychological needs, and moral disengagement. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 37(3), 257-273.
  - 15- Hodge, K., & Lonsdale, C. (2011). Prosocial and antisocial behavior in sport: The role of coaching style autonomous vs. controlled motivation, and moral disengagement. *Journal of Sport & Exercise Psychology*, 33, 527-547. doi:10.1123/jsep.33.4.527.
  - 16- Jowett, S. (2017). Coaching effectiveness: the coach–athlete relationship at its heart. *Current opinion in psychology*, 16, 154-158.
  - 17- Jowett, S. & Ntoumanis, N. (2004). The coach–athlete relationship questionnaire (CART-Q): Development and initial validation. *Scandinavian Journal of Medicine & Science in Sports*. 14(4): 245-257.
  - 18- Kavussanu, M. & Boardley, I. (2009). The prosocial and antisocial behavior in sport scale. *Journal of Sport and Exercise Psychology*. 31(1): 97-117.
  - 19- Kavussanu, M., & Stanger, N. (2017). Moral behavior in sport. *Current opinion in psychology*, 16, 185-192.
  - 20- Kavussanu, M., Stanger, N., & Ring, C. (2015). The effects of moral identity on moral emotion and antisocial behavior in sport. *Sport, Exercise and Performance Psychology*, 4, 268-279.
  - 21- Kelley, M., Sokol, K. J., Braddock, J. H., & Bassinger, F. L. (2004). *Control Theory, Sport and Patterns in Delinquency for Youth*.

- 22- Kinnafick, F. E., Thøgersen-Ntoumani, C., & Duda, J. L. (2014). Physical activity adoption to adherence, lapse, and dropout: a self-determination theory perspective. *Qualitative health research*, 24(5), 706-718.
- 23- Konter, E. (2010). Leadership power perception of amateur and professional soccer coaches and players according to their belief in good luck or not. *Collegium antropologicum*. 34(3): 1001-1008.
- 24- Miller, B. Roberts, G. Ommundsen, Y. (2005). Effect of perceived motivational climate on moral functioning, team moral atmosphere perceptions, and the legitimacy of intentionally injurious acts among competitive youth football players. *Psychology of Sport and Exercise*. 6(4): 461-477.
- 25- Nicholls, J. G. (1989). *The competitive ethos and democratic education*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- 26- Ntoumanis, N. & Standage, M. (2009). Morality in sport: A self-determination theory perspective. *Journal of Applied Sport Psychology*. 21(4): 365-380.
- 27- Popescu, V. (2012). Fair-play vs sports performance: a critical investigation. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*. 46: 5196-5200.
- 28- Ryan, R. & Deci, E. (2000). Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. *American psychologist*. 55(1): 68.
- 29- Sage, L., & Kavussanu, M. (2008). Goal orientations, motivational climate, and prosocial and antisocial behavior in youth football: exploring their temporal stability and reciprocal relationships. *Journal of Sports Sciences*, 26, 717-732.
- 30- Stanger, N., Kavussanu, M., McIntyre, D., & Ring, C. (2016). Empathy inhibits aggression in competition: The role of provocation, emotion, and gender. *Journal of sport and exercise psychology*, 38(1), 4-14.
- 31- Stanger, N., Kavussanu, M., & Ring, C. (2017). Gender moderates the relationship between empathy and aggressiveness in sport: The mediating role of anger. *Journal of Applied Sport Psychology*, 29(1), 44-58.
- 32- Sussman, L. & Deep, S. (1989). *The communication experience in human relations*. South-Western Publishing, USA.
- 33- Weiss, M. (2008). 2007 CH McCloy Lecture: "Field of Dreams:" Sport as a Context for Youth Development. *Research quarterly for exercise and sport*. 79(4): 434-449.
- 34- Zade Mohammadi, A. Ahmad Abdi, Z. & Heydari, M. (2011). Construction and assessment of psychometric features of Iranian Adolescents risk-taking scale. *Iranian Journal of psychiatry and clinical psychology*. 17(3): 218-225. (Persian).